

## مقاله پژوهشی

## منظر سرزمینی: تبیین نسبت مفهوم سرزمین با منظر\*

امین مقصودی

دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

سید امیر منصوری\*\*

دانشیارگروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

سعید حقیر

دانشیار، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

**چکیده** | منظر و سرزمین مفاهیمی‌اند که به ارتباط جوامع انسانی با محیط اشاره دارند. علی‌رغم کاربرد گسترده در پژوهش‌های مختلف، در برخی از موارد این مفاهیم به شکلی غیر واضح به جای یکدیگر استفاده شده‌اند که همین امر سبب ایجاد ابهام در نسبت مفهومی و همچنین کاربرد صحیح آن‌ها در پژوهش‌های علمی شده است. با در نظر گرفتن این مسئله، این پژوهش در نظر دارد با مطالعه مفاهیم منظر و سرزمین به تبیین نسبت این دو مفهوم به منظور استفاده صحیح از آن‌ها در پژوهش‌های آتی بپردازد. بر همین مبنای، این پژوهش به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهد که چه تفاسیری از مفاهیم منظر و سرزمین در میان پژوهش‌ها مختلف وجود دارد؟ و بر اساس این تفاسیر چه ارتباط مفهومی بین مفاهیم منظر و سرزمین قابل تصور است؟ این پژوهش از نوع کیفی است و روش جمع‌آوری داده در آن مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و جست‌وجو در پایگاه‌های داده داخلی و خارجی است که بر اساس بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، سرزمین ذاتاً یک منظر است و می‌توان آن را گونه‌ای از منظر دانست و تحت‌عنوان «منظر سرزمینی» مفهوم پردازی کرد؛ با این حال، این گونه منظر بزرگ‌مقیاس خود برآمده از مجموعه‌ای از واحدهای منظرین (منظرهای خرد) است که ادراک آن‌ها در کنار هم کلیت سرزمین و هویت آن را تشخیص می‌بخشد. علاوه بر این، «منظر سرزمینی» به مفهومی متفاوت از «سیمای سرزمین» یا «آمایش سرزمین» اشاره دارد و بر خلاف آن‌ها با رویکردی کل‌نگر، ابعاد عینی-ذهنی سرزمین را مدنظر قرار می‌دهد و بر این موضوع تأکید دارد که سرزمین یک واحد تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، قومی و فرهنگی، اکولوژیک و ... است که مجموعه‌ای از صفات اساسی هویت‌دهنده وحدت‌بخش را در یک پهنه جغرافیایی سبب می‌شود.

**واژگان کلیدی** | منظر، سرزمین، منظر سرزمینی، پدیده‌ای عینی-ذهنی، فضای انسان ساخت.

بحث شوند. این نحوه استفاده، سبب ایجاد ابهام در تعریف دقیق مفاهیم «منظر» و «سرزمین» و همچنین نسبت مفهومی آن‌ها با یکدیگر شده است. در برخی از این گزاره‌ها منظر به‌مثابه وجهی از سرزمین دانسته شده و در دسته‌های دیگر، سرزمین یک وجه از منظر است. این ابهام در استفاده از مفاهیم «منظر» و «سرزمین» و برداشت‌های متفاوت از آن‌ها به تولیدات علمی گاه متضاد با هم منجر شده است، که همین امر، تبیین دقیق نسبت این دو مفهوم به منظور کاربردی صحیح در مطالعات و پژوهش‌های آتی در دیسپلین‌های مختلف و به‌طور ویژه دانش منظر را ضروری می‌کند. از این رو و بنابر آنچه که بیان شد، این پژوهش این هدف را دنبال می‌کند، تا با بررسی و مطالعه و تحلیل مفاهیم «منظر» و «سرزمین» به تدقیق این مفاهیم و تعیین نسبت صحیح مفهومی آن‌ها با یکدیگر بپردازد.

**مقدمه** | «منظر» و «سرزمین»<sup>۱</sup> هر دو مفاهیمی‌اند که به ارتباط انسان با محیط اشاره دارند. به همین دلیل این مفاهیم در بسیاری از گزاره‌های مطرح‌شده توسط محققین علوم محیطی نظیر جغرافیا، شهرسازی، منظر و غیره مورد توجه واقع شده‌اند (Raffestin, 2015; Vicente, 2004; Tilley, 1994; Harvey, 2000). در بسیاری از این گزاره‌ها محققان تلاش کرده‌اند ضمن بیان برداشت خود از مفاهیم «منظر» و «سرزمین»، به چگونگی نسبت آن‌ها از نظر مفهومی بپردازند. این مفاهیم از نظر معنایی، قرابت و نزدیکی بسیار زیادی با یکدیگر دارند و همین امر سبب شده است که در برخی از گزاره‌های مطرح‌شده توسط محققان، به جای یکدیگر مورد اشاره قرار گرفته و

\*\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶@amansoor@ut.ac.ir

## سؤالات پژوهش

مفهوم با یکدیگر براساس مطالعات انجام شده در بخش‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت و در ادامه مدل مفهومی جدید مدنظر این پژوهش برای تبیین نسبت مفاهیم «منظر» و «سرزمین» ارائه شد.

### پیشینه پژوهش

با بررسی گزاره‌های موجود در این بدنه پژوهشی می‌توان نسبت مفاهیم منظر و سرزمین را به دو دسته کلی تقسیم کرد (تصویر ۱). در دسته نخست، محققان منظر را بُعدی از سرزمین دیده‌اند. در این راستا، کلود رافستین (Raffestin, 2015)، جغرافی‌دان سوئیسی، منظر را تصویری دو بُعدی از سرزمین می‌داند که از مشاهده انسانی پدید می‌آید. در واقع او منظر را در قالب تصاویر و بازنمایی‌هایی می‌بیند که از سرزمین به‌عنوان یک ناحیه جغرافیایی که گروهی از ساکنان در آن‌ها زندگی می‌کنند، پدید آمده است، از این‌رو، تفاوت بین منظر و سرزمین برای او تفاوت بین «دیده شدن» منظر و «زیسته شدن» سرزمین است (ibid., 2012). در دیدگاه دنیس کاسگروف (Cosgrove, 2003) جغرافی‌دان انسانی، نیز با رویکردی مشابه، سرزمین به‌مثابه یک ناحیه فرض شده است در حالی که منظر با نوعی هم‌ارزی با طبیعت، سیمایی از سرزمین محسوب شده است. سوکو (Socco, 1998) نیز با توجه به ارتباط بین منظر و سرزمین، از منظر به‌عنوان مجموعه‌ای از تصاویر یاد می‌کند که نقشی اساسی در شکل‌گیری سیمای سرزمین دارند و مطالعه آن‌ها می‌تواند اطلاعات شناختی را از سرزمین ارائه دهد. در اینجا نیز سرزمین چیزی بیش از یک ناحیه جغرافیایی معرفی نشده است، پدیده‌ای که تنها دارای ویژگی‌های مادی منحصربه‌فردی است که آن را از سایر نواحی جدا می‌کند. در بخشی دیگر از گزاره‌های این دسته، منظر، دیگر تصویری از سرزمین نیست بلکه ذهنیتی از سرزمین است، امری که تنها در اذهان انسانی وجود دارد و به‌واسطه آن معنا و هویت سرزمین به آن الحاق می‌شود. در این راستا، سرلین (Sorlin, 1999) منظر به‌مثابه یک مولفه نمادین طبقه‌بندی کرده که به‌واسطه ادارک جوامع انسانی از سرزمین به‌عنوان محیط‌زیست‌شان تولید شده است و سبب ایجاد خاطره، حس تعلق و وابستگی در بین اقشار مختلف مسکون در آن می‌شود. در همین راستا نوگو و وینسنته (Nogué & Vicente, 2004)، ضمن اشاره به مفهوم سرزمین به‌عنوان یک فضای جغرافیایی بیانگر قدرت اجتماعی، منظر را پدیده‌ای متفاوت از سرزمین معرفی می‌کنند که ارزش، ماهیت و معنا را به سرزمین می‌بخشد. به‌عبارتی دیگر، آن‌ها نیز منظر را در حیطه امری ذهنی در نظر می‌گیرند که از ادراک سرزمین به‌عنوان پدیده‌ای فیزیکی و کالبدی منتج می‌شود. در دسته دوم از گزاره‌های مرتبط، سرزمین است که به‌مثابه بُعدی از منظر مورد توجه قرار گرفته است. در این گزاره‌ها معمولاً سرزمین عینیت‌دهنده به منظر است و منظر که خود امری ذهنی است از طریق سرزمین به‌منصه ظهور می‌رسد یا توسط آن شکل می‌یابد (Tilley, 1994). در واقع، براساس هاروی (Harvey, 1997)، سرزمین‌ها

براساس آنچه که بیان شد این نوشته به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که چه نسبت مفهومی جدیدی بین مفاهیم منظر و سرزمین براساس بازخوانی این مفاهیم می‌توان ارائه کرد؟ همچنین این پژوهش به سؤالات پاسخ خواهد داد که در رویکردهای مختلف چه تفاسیری از مفاهیم منظر و سرزمین ارائه شده است؟ و ارتباط مفهومی بین آن‌ها به چه شکل بحث شده است؟

### شیوه‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع کیفی که به شیوه استقرایی و با استفاده از روش تحلیل محتوا گزاره‌های علمی موجود در ارتباط با مفاهیم «منظر» و «سرزمین» و نسبت آن‌ها با یکدیگر انجام شده است. روش جمع‌آوری داده در این پژوهش عمدتاً بر روش‌های کتابخانه‌ای است. شیوه انجام این پژوهش متشکل از سه مرحله است. در مرحله نخست با هدف شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل گزاره‌های بیان‌کننده نسبت مفاهیم «منظر» و «سرزمین» در بدنه پژوهش‌های انجام‌شده، مطالعه مروری بر نظریات مطرح‌شده توسط سایر محققان و پژوهشگران در دیسپلین‌های مختلف انجام شد. این بخش از پژوهش با رجوع به پایگاه‌های داده داخلی و خارجی، به‌طور ویژه پایگاه Google Scholar و Proquest انجام شد. کلیدواژه‌های مورداستفاده در پایگاه‌های مورداشاره عبارتند از: «Territorial landscape»، «Territory AND landscape»، «Territory and landscape architecture»، «منظر و سرزمین»، «منظر سرزمینی»، «سرزمین و برنامه‌ریزی منظر» و «سرزمین و معماری منظر». پس از این مرحله، این داده‌ها براساس اینکه چه نسبتی بین مفاهیم «منظر» و «سرزمین» را بحث می‌کنند، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شدند. در مرحله بعدی مفاهیم «منظر» و «سرزمین» به‌صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفتند. در گام نخست و با هدف شناخت دقیق از مفهوم «منظر» تعاریف ارائه‌شده از این مفهوم در رویکردهای مختلف از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های داده، به‌طور عمده Google Scholar بررسی شدند. در مرحله بعدی و پس از تدقیق مفهوم «منظر» و با هدف بازشناسایی مفهوم «سرزمین»، مطالعه زبان‌شناسانه و مفهوم‌شناسانه مفهوم انجام شد. برای این منظور واژه «سرزمین» در زبان فارسی و واژه‌های «Territory» در زبان انگلیسی و «Territoire» در زبان فرانسه از نظر ساختار واژگانی با بهره‌گیری از منابع زبان‌شناسی و فرهنگ لغت مورد مطالعه قرار گرفتند. در گام بعدی مفهوم «سرزمین» با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجوی در پایگاه‌های داده و بررسی گزاره‌های موجود در مقالات و کتب موردبازشناسی قرار گرفت و تعاریف متفاوت آن در زمینه‌های تحقیقاتی متنوع مانند فلسفه، جغرافیا سیاسی، جغرافیای انسانی، علوم سیاسی، علوم انسانی و غیره طبقه‌بندی شدند. پس از تدقیق مفاهیم «منظر» و «سرزمین»، در مرحله پایانی نسبت این دو

برجسته، منظر را به‌مثابه یک محیط زیست‌پویا (اکوسیستم)، می‌داند آن را به‌عنوان یک فضای موزاییک یا فضایی سازمان‌یافته تعریف می‌کند. متخصصان محیط‌زیست نیز با تأکید بر عینیت منظر آن را پدیده‌ای دارای ارزش‌های اکولوژیک و مورفولوژیک می‌دانند (Brook, 2019). همچنین محققان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای نیز تکیه بر عینیت‌گرایی، منظر را گونه‌ای از محیط معرفی می‌کنند (Bourassa, 1988). علاوه بر این اندیشمندان شهرسازی منظر نیز با رویکردی مشابه منظر را مدیومی می‌دانند که از نظر ساختاری با تحولات فضایی ناشی از نظم‌های اقتصادی خاص مرتبط است (Waldheim, 2016).

#### - منظر به‌مثابه امری ذهنی

در دیدگاه دوم، منظر تنها یک پدیده ذهنی است و به‌مثابه یک تصویر در ذهن انسان به‌عنوان مشاهده‌گر آن وجود دارد. این رویکرد به مفهوم منظر در میان جغرافی‌دانان فرهنگی، طراحان منظر، باستان‌شناسان و تاریخ‌دانان منظر، جایگاه ویژه‌ای دارد. در این دیدگاه منظر یک تصویر فرهنگی و یک شیوه از دیدن جهان است که محیط پیرامون را ساختار داده و معنا می‌بخشد (Daniels & Cosgrove, 2007, 1). در واقع در اینجا منظر یک مفهوم ایدئولوژیک و ارائه‌دهنده یک شیوه است (Cosgrove, 1998) که از طریق بازنمایی و تفسیر فرهنگی توسط طبقات خاص انسانی، در یک رابطه فرضی و ذهنی به طبیعت معنا می‌بخشد (Cosgrove, 1989, 1985). بر همین اساس عناصر طبیعی نظیر رودخانه‌ها، سواحل، صخره‌ها، خاک و غیره همگی اجزای یک سیستم معنادار به‌شمار می‌روند که از طریق آن اجتماع با تولید و بازتولید مفاهیم ذهنی در قالب خاطره، کاوش و ساختار می‌یابد (Tilley, 1994; Schama, 1995).

#### - منظر به‌مثابه امری عینی و ذهنی

در دیدگاه سوم، منظر معمولاً به‌عنوان یک پدیده ابژکتیو بحث می‌شود که می‌تواند حاوی تصاویر و معانی انضمامی نیز باشد. در این دیدگاه، منظر در گام نخست یک ماده است و در گام بعدی، ویژگی‌های ذهنی می‌تواند بر آن اعمال شود. به‌همین دلیل منظر اتحادی بین محیط و بازنمایی آن به‌شمار می‌رود. این دیدگاه در نظریات برخی از اندیشمندان جغرافیا رواج دارد و در آن منظر به‌مثابه مجموعه‌ای از دارایی‌های

و الگوهای مرتبط با آن به‌مثابه کالبدی فیزیکی در طبیعت عاملی در شکل‌دهی به مناظر به‌شمار می‌روند که درک شکل و چپستی آن سبب درک معنای منظر می‌شود (ibid., 2000). زدنو نیز (Zedeno, 2016) به شکلی مشابه از سرزمین به‌مثابه زمین یا منابعی یاد می‌کند که بستری کالبدی را برای شکل‌گیری منظر فراهم می‌کند، از این‌رو سرزمین پدیده‌ای مادی و هم‌ارز با فضا است که عمدتاً بر بخش‌هایی از طبیعت دلالت می‌کند و تعامل انسان با آن، سبب شکل‌گیری منظر به‌عنوان مفهومی زیست‌محیطی و با ویژگی‌هایی ذهنی و معنایی می‌شود (Zedeno, 1997). در همین راستا نیز فرراری و همکاران (Ferrari et al., 2019) سرزمین را به‌عنوان ناحیه‌ای فضایی-جغرافیایی با ابعاد مادی و انضمامی می‌دانند، در حالی که در دیدگاه آن‌ها «مناظر» نواحی زیست‌محیطی‌اند که در اثر تعامل انسان‌ها با سرزمین تولید می‌شوند و عموماً دارای ویژگی‌هایی ذهنی‌اند که با مفاهیمی عاطفی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی مرتبطند.

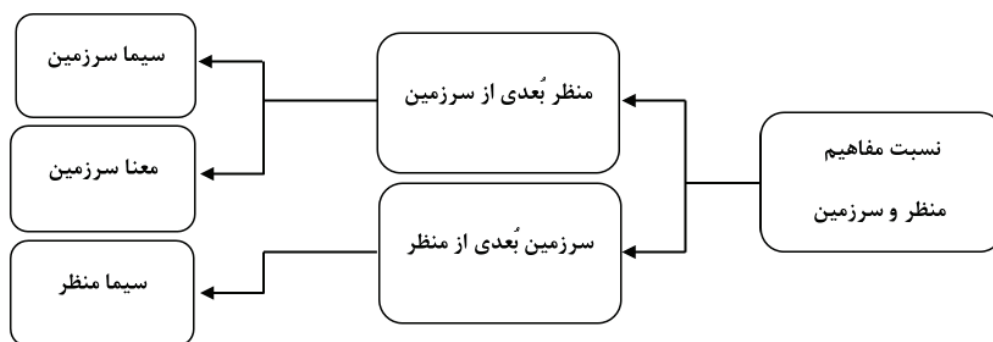
#### یافته‌های پژوهش

##### • بررسی مفهوم منظر

«منظر» واژه‌ای پیچیده و چندوجهی با مفاهیم و ابعاد معنایی گسترده است (آل هاشمی و منصور، ۱۳۹۶) که همین امر سبب شکل‌گیری تعاریف متنوعی از مفهوم فوق شده است (ماهان و منصور، ۱۳۹۶). با این حال به‌طور کلی چهار دیدگاه نسبت به مفهوم «منظر» قابل‌شناسایی‌اند (جدول ۱) که عبارتند از:

##### - منظر به‌مثابه امری عینی

در این دیدگاه مفهوم «منظر»، با رویکردی عینیت‌گرا، به‌مثابه یک کالبد، یک محدوده فیزیکی یا بخشی از زمین بحث می‌شود. این دیدگاه ابژه‌گرا در میان نظریه‌پردازان علم جغرافیا جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن برای اشاره به یک واحد جغرافیایی، معادل واژه‌های «ناحیه» و «منطقه» استفاده می‌شود که به یک شکل خاص از زمین ارجاع می‌دهد (Saur, 1925). این دیدگاه در تعریف یونسکو از «منظر فرهنگی» به‌عنوان کالبدهای تاریخی حاصل از مشارکت طبیعت و انسان نیز قابل‌مشاهده است (UNESCO, 1996). عینیت‌گرایی نسبت به منظر در نظریات اندیشمندان علم اکولوژی نیز قابل‌ردیابی است. به‌عنوان مثال آلمو فارینا (Farina, 2006, 2010)، اکولوژیست



تصویر ۱. نسبت مفاهیم منظر و سرزمین در بدنه پژوهش‌های موجود. مأخذ: نگارندگان.

• بررسی اصطلاح‌شناسانه کلمه «سرزمین»

«سرزمین» در زبان فارسی برای اشاره به بخشی از زمین متعلق به یک گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این واژه در زبان فارسی از واژه «زمین» متمایز است و معمولاً بر واژه زمین دارای ارجحیت است. در «لغت‌نامه دهخدا» واژه «سرزمین»، ملک، مملکت، ناحیت، کشور، اقلیم و مرز و بوم تعریف و سرزمین جایی دانسته شده است که تعلق به یک قوم دارد (دهخدا، ۱۳۹۳). همچنین در «فرهنگ عمید» برای تعریف واژه «سرزمین» به بوم و کشور اشاره شده و از آن به‌عنوان قطعه زمینی پهن‌تر که قوم یا طایفه‌ای در آن جا به سر می‌برند، یاد شده است (عمید، ۱۳۵۸). واژه «سرزمین» از نظر ساختاری یک کلمه‌ای مرکب از ترکیب دو واژه «زمین» و «سر» است. در «فرهنگ سخن» (انوری، ۱۳۸۱)، حدود بیست و پنج معنای گوناگون در پیوند با مدخل «سر» آمده است (ایمانی و رفیعی، ۱۳۹۸). در زبان فارسی واژه «سر» که نام یکی از اندام‌های بدن است و در ترکیب‌هایی افزون بر معنای واژگانی خود (یعنی نام بالاترین عضو بدن) دارای معانی مجازی و استعاری دیگری است (کریمی باوریانی و بامشادی، ۱۳۹۵) که به زمان، مکان، رتبه، جایگاه، ویژگی و ... برجسته‌ای اشاره دارد (جدول ۲). واژه «سر» در تمامی ترکیب‌های واژگانی مختلف، دارای نقش ارجاعی

اجتماعی در سطح عینیت مکان بحث می‌شود که می‌توانند با اعمال معانی تصاویر و احساسات قدرتمندی را برانگیزند و به درک ارزش‌های جامعه کمک و نقشی اساسی را در هویت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایفا کنند (Duncan & Duncan, 2001; Mitchell, 1996, 2008).

- منظر به مثابه امری عینی-ذهنی

در دیدگاه چهارم، منظر پدیده‌ای است که هم دارای مؤلفه‌های عینی است و هم به‌طور همزمان به‌دلیل مشخصات معنایی دارای مؤلفه‌های ذهنی است (برک، ۱۳۹۲، دونادیو، ۱۳۹۲، مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹). در این دیدگاه که عموماً در میان اندیشمندان دیسپلین منظر مورد توجه است، منظر تنها با استفاده از روش‌های علمی ابژکتیو تحلیل و توصیف نمی‌شود، بلکه به مشاهده سوژکتیو و تجربه نیز نیازمند و دارای یک معنی ادراکی، زیبایی‌شناسی، هنری و وجودی نیز است (Antrop, 2019; Luginbuhl, 2012; Rose, 2002; Ingold, 2000). از همین‌رو، منظر تنها یک فضای پرشده با انواع چیزها نیست، بلکه یک کلیت از معانی وجودی که دارای عینیت است و به شکلی عمیق در فرهنگ و تاریخ ریشه دوانده و برآمده از الگوهای زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که هویت یک زمین را انعکاس می‌دهد (Antrop & Van Eetvelde, 2017; Bell, 2012).

جدول ۱. رویکردهای مختلف به مفهوم منظر و تعاریف متفاوت ارائه‌شده از آن. مأخذ: نگارندگان.

تعریف ارائه‌شده از منظر	دیسپلین	نوع رویکرد
یک شکل خاص از زمین	جغرافیا	
کالبد تاریخی ناشی از طبیعت و انسان	منظر فرهنگی	
فضایی موزاییکی فرایندهای اکولوژیکی	اکولوژی	
فضایی دربردارنده ارزش‌های اکولوژیک و مورفولوژیک	محیط‌زیست	ابژکتیو
گونه‌ای از محیط	برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای	
تجلی فضایی نظام اقتصادی	شهرسازی منظر	
تصویر فرهنگی و شیوه‌دیدن جهان	جغرافیای فرهنگی	
بازنمایی و تفسیر فرهنگی	طراحی منظر	
سیستم معنادهنده	باستان‌شناسی منظر	سوژکتیو
خاطره	تاریخ منظر	
اتحاد بین محیط و بازنمایی	جغرافیا	ابژکتیو و سوژکتیو
مکان، کلیتی از معانی وجودی دارای عینیت	منظر	ابژکتیو- سوژکتیو

جدول ۲. معانی مختلف واژه «سر» در اسامی مرکب. مأخذ: نگارندگان برگرفته از راسخ مهند و رنجبر ضرابی، ۱۳۹۲ و کریمی باوریانی و بامشادی، ۱۳۹۵.

معانی مختلف در ارتباط با واژه «سر» در کلمات مرکب			
۱. مهم- اصلی	سرگروه- سردسته	۵. شخصیت و هویت	سرشماری- سرشناس
۲. نقطه بالای هر چیز	سردر- سرستون- سرکار	۶. اندیشه، ذهنیت و باور	سبک سر- سر سپرده
۳. نقطه آغاز و ابتدای هر چیز	سرآغاز- سرچشمه- سرپل	۷. نقطه انتها و پایان	سرانجام - سرآخر- سرگذشت
۴. یکی از اندام های بدن	سردرد- سربلند	۸. اصلی و برتر	سرآشپز - سردبیر

نظر اصطلاح‌شناسی، واژه «Territory» و «Territore» در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی ریشه در واژگان لاتین، «Terra» و «Territorium» دارد (Donald, 1872; Brachet, 1882). در فرهنگ «لغت زبان لاتین» ذیل واژه «Terra» این چنین آمده است: «خاک خشک، زمین» (de Vaan, 2008)، همچنین در همین فرهنگ، اشاره شده است که «Territorium» یکی از مشتقات واژه «Terra» که از ترکیب واژه فوق با پسوند «-torium» حاصل شده است، پسوندی که معمولاً برای اشاره به یک مکان خاص استفاده می‌شود (ibid.). پسوند «-torium» در اینجا به معنی «متعلق به چیزی یا مکانی»<sup>۲</sup> یا «اطراف چیزی یا مکانی»<sup>۳</sup> است (de Carvalho, 2016). بنابراین، واژه «Territory» نیز به مانند سرزمین، کلمه‌ای مرکب است و به زمین و خاکی اشاره دارد که به‌واسطهٔ پسوند انتهایی آن، متمایز و دارای کیفیت مکانی است.

#### • بررسی مفهوم «سرزمین»

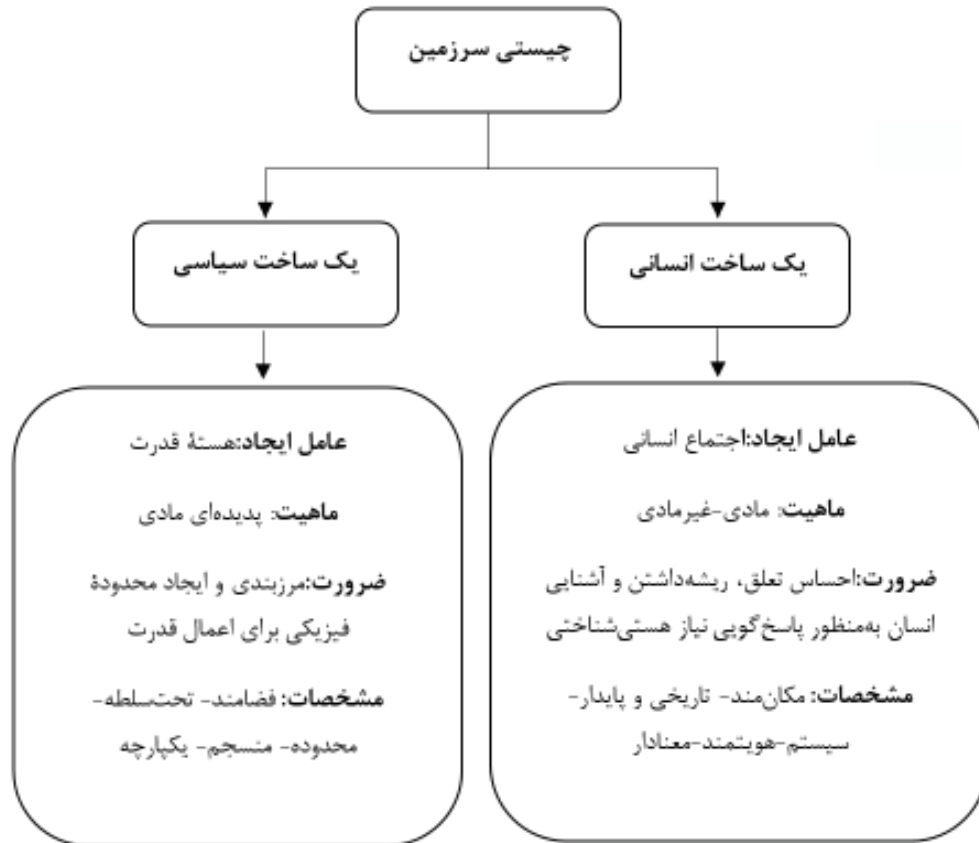
سرزمین معمولاً در بدنهٔ پژوهشی با دو رویکرد متفاوت بحث شده است. در رویکرد اول سرزمین به‌مثابهٔ یک فضای سیاسی و در رویکرد دوم سرزمین فضایی انسانی و مرتبط با زیست او دانسته شده است (تصویر ۲). در ادامه مفهوم سرزمین در هر یک از این رویکردها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### - سرزمین به‌مثابهٔ یک ساخت سیاسی

در این دیدگاه سرزمین امری سیاسی و منتج از آن است، در همین راستا، پیکن (Picon, 2010, 97) «سرزمین» را به‌مثابهٔ فضایی می‌داند که توسط نهادها یا مشارکت گروهی از افراد<sup>۴</sup> تحت کنترل و سیاست قرار گرفته است و بیش تر با اقدامات حکومتی<sup>۵</sup> مرتبط است. گُتمن (Gottmann, 1973, 71) در کتاب ارزشمند خود تحت‌عنوان «اهمیت سرزمین» ادعا می‌کند که «هیچ کس نمی‌تواند یک حکومت، یک نهاد سیاسی را بدون تعریف فضایی آن، یعنی بدون سرزمین آن درک کند». از این رو به‌نظر می‌رسد که سرزمین مبنای فیزیکی برای عینیت‌بخشی به نهادهای سیاسی است (Allies, 1980). این دیدگاه نسبت به سرزمین همان چیزی است که برداشت و ادراکی مرسوم از مفهوم سرزمین است که ریشهٔ آن به دانش جغرافیای سیاسی در بین قرن‌های پانزدهم و بیستم میلادی برمی‌گردد (Agnew, 2005)

است که بر حسب شرایط زمینه به انواع مختلفی بروز کرده است. در واقع بدن انسان به‌عنوان اولین واقعیت عینی قابل‌شناخت برای او، نقاط ارجاع فراوانی برای انسان به ارمغان می‌آورد که به‌وسیلهٔ این نقاط ارجاعی، بشر به بسیاری از مفاهیم ذهنی خود، جنبه‌های عینی بخشیده است (استاجی، ۱۳۸۶). در این ترکیبات نیز واژه «سر» نیز با نقشی ارجاعی، به چیزی یا پدیده‌ای اشاره می‌کند که دارای جایگاهی والا است. همان‌گونه که اندام سر در تن آدمی در بالاترین نقطه واقع شده است و ارزش ویژه‌ای در مقایسه با سایر اندام‌های بدن دارد. به‌عبارت دیگر واژه «سر» کیفیت ویژه‌ای را به چیزها و پدیده‌ها اضافه می‌کند که به‌واسطهٔ آن از همتایان خود متمایز می‌شوند. این تفسیر در ارتباط با واژه «سرزمین» نیز قابل‌مشاهده است. در واقع با قرارگیری «سر» در ابتدای واژه «سرزمین»، زمین مورد اشاره نسبت به سایر زمین‌ها متمایز است و جایگاه و مقامی برجسته دارد.

در زبان انگلیسی، واژه «Territory» معادل واژه «سرزمین» است. واژه «Territory» در «لغت‌نامهٔ آکسفورد» به قطعه زمین وسیعی اطلاق شده که دارای صفات ممیزه و ویژگی هویتی خاصی باشد (اکبریان، ۱۳۹۰). این واژه در زبان فرانسه نیز معمولاً به نگارشی متفاوت «Territoire» به‌کار می‌رود. میشل لوسو (Lussault, 2007)، جغرافی‌دان فرانسوی، در یک تعریف کلی از واژه «Territory» آن را سطح زمین به‌طور فرضی یکپارچه می‌داند که به‌نحوهٔ دخل و تصرف شده است. ژاک لوی (L'Évy, 2003) نیز در مدخل واژه «Territory» در «فرهنگ لغت Belin Dictionnaire de la Geographiy» به زبان فرانسه برای این واژه چندین تعریف ارائه می‌دهد که عبارتند از: مفهومی متفاوت از فضا، مترادف مکان، فضای اجتماعی، فضای مرزبندی شده، قلمروی زیستی و فضای اختصاصی. شِپرد (Sheppard, 2013)، در کنار واژه «Territoire» از واژه «Terroir» استفاده می‌کند و این دو واژه را متفاوت از هم می‌داند. او «Terroir» یک ناحیهٔ جغرافیایی همگن از نظر منابع و تولیدات (اغلب کشاورزی) با جوامع مشخص فرهنگی تعریف می‌کند؛ علاوه‌بر این او «Territoire» را سرزمین و قلمرویی سیاسی-فضایی یا طبیعی می‌داند که دارای حد و مرزها است. از



تصویر ۲. دیاگرام تعاریف مرتبط با مفهوم سرزمین. مأخذ: نگارندگان.

یک اجتماع بر بخشی از فضا و طبیعت با هدف بازسازماندهی نظم و محتویات آن اعمال شده است (ibid., 2012). این مجموعه کار انسانی تحت‌عنوان سرزمین‌گرایی<sup>۹</sup> در واقع دسته‌ای از اقدامات و روابط ناشی از تعاملات بین انسان و محیط است که در مقیاس‌های مختلف انجام می‌شود و در نتیجه آن اجتماع ضمن حفظ روابط خود با فضا و طبیعت آن را چیزی تبدیل می‌کنند که از زمین و فضایی که بر آن‌ها شکل گرفته‌اند کاملاً متمایزند (Sack, 1983; Sack, 1986; Raffestin, 2012). آنچه که از کار انسانی در اینجا مدنظر است همان‌گونه که دلوز و گاتاری (Deleuze & Guattari, 2005, 315) در کتاب «هزار فلات: سرمایه‌داری و اسکیزوفرنی» توضیح داده‌اند تنها دخل و تصرف مادی نیست. در این کتاب در توضیح مفهوم سرزمین این‌گونه آمده: «سرزمین در واقع نتیجه اقداماتی است که در طی آن محیط‌ها و الگوهای سازنده آن‌ها<sup>۱۰</sup> را تغییر می‌دهند و آن‌ها را «سرزمینی» می‌کنند... در نتیجه این عمل، اجزای محیط دیگر تنها یک‌بعدی<sup>۱۱</sup> نیستند بلکه چندبعدی<sup>۱۲</sup> می‌شوند، دیگر تنها عملکردی<sup>۱۳</sup> نیستند بلکه معنادار<sup>۱۴</sup> می‌شوند. زمانی یک سرزمین وجود دارد که الگوها معنا می‌بایند. چیزی که پیدایش یک سرزمین را تعریف می‌کند ظهور امر معنادار است (کیفیت‌ها)». بنابراین، فرایند ساخت سرزمین، علاوه بر اقداماتی فیزیکی، یک دخل و تصرف ذهنی است (Raffestin, 2012) که در نتیجه آن،

و عمدتاً بر معانی از قبیل مرز، هویت، یکپارچگی، حاکمیت و انسجام فضایی تأکید دارد (Elden, 2010). در این دیدگاه سرزمین به شکل مؤثری به‌عنوان «زمین» یا «خاک» در نظر گرفته می‌شود که دارای محدوده فیزیکی مرزبندی شده است و در آن مجموعه‌ای از روابط سیاسی-اقتصادی و سیاسی-استراتژیک تبلور می‌یابند (ibid.). در این نگاه، نهاد قدرت نقشی مرکزی در خلق سرزمین دارد، به‌نحوی که وجود سرزمین بدون وجود عامل قدرت اساساً امکان‌پذیر نیست (میرحیدر و همکاران، ۱۳۸۰). در واقع همان‌گونه که فوکو (Foucault, 1994, 32) فیلسوف فرانسوی در بیان گزاره خود از سرزمین توضیح می‌دهد: «سرزمین بدون شک یک مفهوم جغرافیایی است، اما قبل از هر چیز آن یک ناحیه قضایی-سیاسی است: ناحیه‌ای که توسط نوع خاصی از قدرت کنترل می‌شود...».

#### - سرزمین به‌مثابه یک ساخت انسانی

در گزاره‌های این دسته سرزمین پدیده‌ای است که فراتر از عینیتی فیزیکی و سیاسی به‌واسطه وجود اجتماعات انسانی به‌منصه ظهور می‌رسد (Elden, 2010). از این‌رو نقش انسان در پیدایش و ساخت آن، بسیار کلیدی است. در این دیدگاه سرزمین واقعیت ملموس و مخلوقی از زندگی انسانی است (Delaney, 2008) که در نتیجه فرایندی دیاکرونیکی<sup>۱۵</sup> و تغییر و تحولات مداوم سوژه و تاریخ حاصل شده است (Raffestin, 2015). از این‌رو، خلق سرزمین حاصل کار انسانی (در قالب انرژی و اطلاعات) دانسته می‌شود که به‌وسیله

سرزمین به مصنوعی «حاوی» و «رساننده» انواع مختلفی از معانی تبدیل می‌شود (Delaney, 2008) که برآمده از سیستم‌های فرهنگی و اجتماعی است (Raffestin, 2012). در این شرایط سرزمین دیگر تنها عنوان یک مکانیسم عقلانی جهت مرزبندی و کنترل نواحی مختلف نیست، بلکه می‌تواند به‌مثابه یک مکانیسم عاطفی و هویت‌دهنده عمل کند (Brighenti, 2010). بنابراین از طریق شکل‌گیری سرزمین جنبه‌های مادی و عناصری فیزیکی مانند زمین، عناصر عملکردی مانند کنترل فضا با ابعادی ذهنی و نمادین مانند هویت اجتماعی ترکیب می‌شوند (Paasi, 2008) و تشکیل یک سیستم «مادی- نشانه شناختی»<sup>۱۵</sup> می‌دهند (Bonta & Protevi, 2004). سیستمی که متشکل از مجموعه‌ای از مکان‌هاست که هر یک محتوای معنایی خاص خود را دارا هستند (منصوری، ۱۳۸۹).

## بحث

### • نسبت مفاهیم «منظر» و «سرزمین»

بر اساس آنچه که در بخش‌های پیشین بیان شد، می‌توان بیان کرد که مفهوم منظر، به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی و سرزمین، به‌مثابه یک ساخت انسانی، به‌صورت غیرقابل انکاری به یکدیگر مرتبط هستند (ریموند و همکاران، ۱۴۰۰). منظر به‌عنوان یک پدیده عینی-ذهنی، گونه‌ای از یک مکان است از این‌رو نمی‌توان آن را با زمین، فضایی پر شده یا یک محدوده جغرافیایی مقایسه کرد. بر همین اساس سرزمین، به‌عنوان یک ساخت سیاسی، اساساً نمی‌تواند ارتباطی معنایی با مفهوم منظر داشته باشد چراکه این تعریف از سرزمین عموماً بر محدوده‌ای جغرافیایی-فضایی یا زمین‌حدبندی‌شده اشاره دارد. با این حال سرزمین در تعریف خود به‌عنوان یک ساخت انسانی به مانند منظر دارای کیفیت مکانی است. از طرف دیگر منظر و سرزمین به‌عنوان یک ساخت انسانی هر دو ذاتاً پدیده‌هایی تاریخی محسوب می‌شوند که در طی بازه‌های زمانی مختلف شکل گرفته‌اند، از این‌رو دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که قرائت آن‌ها می‌تواند فرایندها و تحولات محیطی و انسانی رخ داده بر بستر آن‌ها را به نمایش بگذارند. مضاف بر این، منظر و سرزمین هر دو به‌نحوی محصولی انسانی به‌شمار می‌روند که از تعامل انسان با محیط و سازماندهی آن در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای بشری پدید آمده‌اند. همچنین در تعاریف ارائه‌شده برای منظر، این مفهوم به‌مثابه یک کل مورد اشاره قرار گرفته است که از عوامل مادی-غیرمادی تشکیل شده است که این عوامل در ارتباطی تفکیک‌ناپذیر با یکدیگر عمل می‌کنند که این صفت نیز به شکلی مشابه برای پدیده سرزمین به‌کار گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر سرزمین نیز یک سیستم یا کل است که از عوامل فیزیکی و معنایی حاصل شده است که قابل جدا شدن از یکدیگر نیستند و در ارتباطی متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند.

از این‌رو، منظر آن‌گونه که در بسیاری نوشته‌ها مورد اشاره قرار گرفته است، ظاهر سرزمین یا معنای آن محسوب نمی‌شود و همچنین سرزمین به‌عینیت یک منظر اشاره ندارد، بلکه منظر و سرزمین، هر دو مفاهیمی با ویژگی‌های مشترک‌اند و به‌نظر می‌رسد که به پدیده‌ای با صفات یکسان اشاره دارند. این اشتراک بین مفاهیم، منظر و سرزمین از نظر لغوی در ریشه واژه «Landscape» نیز مشهود است. در واقع ریشه‌های کلمه منظر در زبان انگلیسی از قبیل «Landschaft» در زبان آلمانی، یا «Landskab» در زبان دانمارکی، از نظر معنایی برای اشاره به سرزمین‌هایی ویژه اعمال می‌شدند که در واقع مکان‌هایی با جوامعی با سنت‌های طولانی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منحصر به فرد بودند (Olwig, 2005). در واقع این واژه از نظر لغوی در مفهوم اروپای شمالی آن اساساً معنایی دوگانه را دارا بوده است: یک معنا آن «به محدوده سرزمینی جوامع انسانی» اشاره داشته و دیگری «به ظاهر یک سرزمین همان‌گونه که ما آن را درک می‌کنیم»، که معنای دوم آن بعدها در زبان انگلیسی رایج می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد (ibid., 1996). بنابراین به‌صورت ریشه‌ای مفهوم منظر هم به معنی سرزمین بوده، یعنی ساختی سیاسی، اجتماعی، هویتی و مکانی و هم به معنای چشم‌انداز طبیعی یعنی قسمتی از سطح زمین و آسمان که در میدان دید واقع شده است، اگرچه از قرن شانزدهم میلادی و با ورود واژه منظر به زبان انگلیسی و با ازدست‌دادن معنای سرزمینی خود، این واژه تنها برای اشاره به چشم‌اندازی طبیعی به‌کار گرفته شد (ibid.). با توسعه مفهوم سیاسی سرزمین در بین قرن‌های پانزدهم و بیستم میلادی، ردپای مفهوم سرزمین به‌مثابه یک ساخت انسانی به تدریج در ساختار معنایی واژه منظر کمرنگ شد؛ به‌نحوی که برای مدت‌ها منظر عموماً معادل یک صحنه، تابلو نقاشی یا سبکی از باغ‌سازی بود، که اجتماع، ردپای بشر و نقش او بر بستر ژئو-فیزیکی آن در نظر گرفته نمی‌شد (لوژنول، ۱۳۹۱). با این حال اشاره به این نکته ضروری است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی و با پیدایش علوم جدید به‌طور مثال جغرافیای انسانی، معنای منظر به‌عنوان «سرزمین مسکون یک گروه اجتماعی» به تدریج مورد توجه قرار گرفته است (دونادیو، ۱۳۹۲).

### • منظر سرزمینی

همان‌گونه که گفته شد، ساخت سرزمین ناشی از دخل و تصرف مادی-غیرمادی در طی فرایند تعاملی بین انسان و محیط، با هدف سازماندهی محیط، یا همان سرزمین‌گرایی است که می‌تواند در مقیاس‌های مختلفی انجام شود، از مقیاس یک باغچه در حیاط یک خانه، تا یک محله، روستا، شهر و حتی یک ناحیه جغرافیایی (Sack, 1983). همه ساخت‌های حاصل از فرایند سرزمین‌گرایی با توجه به معنای سرزمینی مستتر در واژه منظر، از نظر ماهوی می‌توانند به‌مثابه نوعی از منظر در نظر

گرفته شوند اگرچه اساساً گونه‌های متفاوتی به‌شمار می‌روند. برای تمایز این گونه‌های متفاوت از یکدیگر، معمولاً واژه‌ی منظر در ترکیبی وازگانی با گونه‌ی مدنظر استفاده می‌شود تا از این طریق آن‌گونه خاص از منظر مورد اشاره قرار گیرد (منصودی، ۱۳۹۳)، به‌عنوان مثال ساخت‌های ناشی از سرزمین‌گرایی در مقیاس روستا و شهر به‌ترتیب با اصطلاح منظر روستایی و منظر شهری متمایز شده‌اند (همان، ۱۳۸۹). برهمین‌اساس سرزمین نیز به‌عنوان یک ساخت حاصل از اقدام سرزمین‌گرایی در مقیاس یک ناحیه‌ی گسترده‌ی جغرافیایی می‌تواند یک گونه از منظر باشد که به جهت تمایز یافتن از دیگر گونه‌های منظر، تحت‌عنوان «منظر سرزمینی» مفهوم پردازش شود.

با این‌حال سرزمین در مقیاس یک ناحیه‌ی جغرافیایی، خود شامل مجموعه‌ای از مناظر در مقیاس منطقه‌ای و ملی است که از فرایندی تحت‌عنوان «نمود سرزمین»<sup>۱۶</sup> حاصل شده‌اند. براساس «نمود سرزمین» هر سرزمین شامل مشخصات منظرین طبیعی از قبیل کوهستان، رودخانه، مراتع، جنگل و همچنین مصنوعی مانند شهرها، زمین‌های کشاورزی، زیرساخت‌های آبی، جاده‌ها، پل‌ها، تاسیسات صنعتی و غیره می‌شود که به شکلی اجتماعی و فرهنگی از طریق مدیوم‌های مختلف بازتولید و بازنمایی شده‌اند (Sorlin, 1999) و در نتیجه آن، این مناظر به مؤلفه‌های نمادین و ذهنی بدل می‌شوند که به شکلی عمیق در تصویر و فرایند ادارک سرزمین متبلور می‌شوند (ibid.) و ویژگی‌های طبیعی یک سرزمین مانند ناهمواری‌ها، خاک و هیدروگرافی و همچنین فعالیت‌های انسانی در گذشته، انتخاب‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات محلی در سرزمین را به نمایش می‌گذارند (ریموند و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین هر سرزمین، که خود از مجموعه‌ای از مناظر تشکیل می‌شود که این مناظر در واقع واحدهای عینی-ذهنی‌اند که اساس فرایندهای سرزمینی را به نمایش می‌گذارند و باعث تمایز یک سرزمین و منظر آن، یا همان منظر سرزمینی می‌شوند. از این‌رو، می‌توان این‌گونه بیان کرد که منظر سرزمینی خود برآمده از مجموعه‌ای از واحدهای منظرین در مقیاس یک ناحیه‌ی جغرافیایی است که براساس فرایند سرزمین‌گرایی و تعامل انسان با محیط در طی زمان شکل گرفته و توسعه یافته‌اند و به‌دلیل ویژگی‌های عینی-ذهنی در شکل‌گیری هویت سرزمین و اجتماع انسانی مسکون در آن نقشی کلیدی را ایفا می‌کنند. از طرف دیگر منظر سرزمینی جوهره‌ی وجودی خود را در وابستگی به کلیت سرزمین تعریف می‌کند، بنابراین وجود و استمرار سرزمین در امتداد و پیوستگی منظر سرزمینی امری ضروری است. به‌عبارتی دیگر تغییر، تحول یا تخریب بخشی از سرزمین، منظر سرزمینی و واحدهای منظرین تشکیل‌دهنده آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و متعاقباً هویت سرزمینی و انسانی ناشی‌شده از آن را دست‌خوش تغییر کند.

با در نظر گرفتن این تعریف، باید توجه کرد که منظر سرزمینی اساساً به مفهومی متفاوت از دیگر اصطلاحات موجود در بدنه‌ی ادبیات علمی و حرفه‌ای ایران در ارتباط با سرزمین نظیر «سیمای سرزمین» و «آمایش سرزمین» اشاره دارد. در واقع سیمای سرزمین اصطلاحی است که با رویکردی اکولوژیک، سرزمین را مورد مطالعه قرار داده و تنها بر کاربری اراضی، لکه‌ها و کریدورهای سبز متمرکز شده است و می‌کوشد با رویکردی کمیت‌گرا و استفاده از شاخص‌های عددی سرزمین و تحولات فضایی آن را بررسی کند (مثنوی و محسنی فرد ناغانی، ۱۴۰۲؛ زبردست و همکاران، ۱۳۹۰). از این‌رو در سیمای سرزمین، سرزمین تنها شامل زیستگاه و عناصر واجد جنبه‌های حیات و روابط عمودی و افقی بین آن‌ها دانسته می‌شود (مثنوی، ۱۳۹۴، به نقل از مرتاض مهربانی، ۱۳۹۴) که به‌مثابه‌ی مجموعه‌ی ناهمگنی از چندین اکوسیستم مجزا نظیر مرتع، جنگل، اراضی کشاورزی، مناطق مسکون و اکوسیستم‌های آبی تشکیل شده است (فاخران، ۱۳۹۴، به نقل از همان). از طرف دیگر، آمایش سرزمین دیگر اصطلاحی است که مفهوم سرزمین را مورد توجه قرار می‌دهد، عموماً به تعیین تکلیف برای نوع کاربری، برنامه‌ریزی و تهیه‌ی طرح‌ها توسعه‌ای بلندمدت در ارتباط با زمین (مقصودی، ۱۳۹۸؛ زندیه و همکاران، ۱۴۰۰) برحسب شناسایی و ارزیابی استعداد کیفی و کمی آن برای استفاده‌های مختلف بشر می‌پردازد (مخدوم، ۱۳۷۸). در این اصطلاح نیز سرزمین عموماً برآمده از ویژگی‌های طبیعی و اکولوژیکی است که در ارتباط با عوامل تکنولوژیکی، اقتصادی و منابع انسانی-مالی در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی-اجتماعی جوامع انسانی و بهبود وضعیت مادی و معنوی آن‌ها بایستی بازسازماندهی و هماهنگ شود (همان). از این‌رو، هر دو این اصطلاحات تنها بر برنامه‌ریزی و ارزیابی جنبه‌های محدودی از سرزمین نظیر طبیعت و اکولوژی متمرکزند و به شکلی ناقص جنبه‌های انسانی مرتبط با سرزمین را مورد توجه قرار نمی‌دهند و در فرایند مطالعاتی خود به آن‌ها توجه نمی‌کنند. بنابراین باید بیان کرد که این دو اصطلاح با رویکردی جزءنگر تنها بر ابعاد عینی سرزمین تکیه دارند در حالی که منظر سرزمینی می‌کوشد با رویکردی کل‌نگر جنبه‌های عینی-ذهنی سرزمین را در فرایندهای مطالعه، ارزیابی و برنامه‌ریزی لحاظ کند و سرزمین را نه‌تنها به‌عنوان یک واحد جغرافیایی خاص و متحد با شرایط طبیعی و اکولوژیکی یکپارچه بلکه به‌مثابه‌ی یک واحد تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، زبانی، فرهنگی و ... نیز مورد توجه قرار دهد که شامل مجموعه‌ای از صفات اساسی و منحصربه‌فرد هویت‌بخش است که در پهنه‌ی کالبدی سرزمین دارای وحدت و یگانگی‌اند و قادرند گروه‌های مختلف انسانی را در زیر یک چتر هویتی واحد قرار دهند.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا ضمن تدقیق مفاهیم منظر و سرزمین نسبت مفهومی این دو اصطلاح به شکلی واضح و به‌منظور استفاده صحیح در پژوهش‌های علمی تبیین شود. براساس یافته‌های این پژوهش مشخص شد سرزمین عموماً در بدنه پژوهش‌های موجود در دو حالت مورد توجه قرار گرفته است. در حالت نخست، سرزمین مخلوق امر سیاسی و برآمده از اراده هسته قدرت است. در این حالت سرزمین عموماً با مفاهیمی مادی، از قبیل خاک، زمین و مرز همراه است. در حالت دوم سرزمین مخلوق جوامع انسانی است و گونه خاصی از زمین محسوب می‌شود که به واسطه دخل و تصرف فیزیکی و ذهنی انسان یا امر سرزمین‌گرایی، تولید می‌شود. در این حالت سرزمین عموماً به‌مثابه یک سیستم مادی-غیرمادی (نشانه‌شناختی) است و قادر است به‌طور همزمان مکانیسمی عملکردی جهت کنترل فضا و مکانیسمی عاطفی جهت هویت‌بخشی اجتماعات انسانی باشد. مطالعه اصطلاح‌شناسی واژه سرزمین نیز در زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسوی نشان داد که از نظر معنایی ساختار واژه سرزمین در زبان‌های بررسی‌شده با تعریف آن به‌مثابه یک ساختار انسانی و پدیده‌ای مادی-غیرمادی اشاره دارد؛ از این‌رو به‌نظر می‌رسد که این تعریف می‌تواند تعریف دقیق از مفهوم سرزمین باشد. از طرف دیگر در این پژوهش ضمن مطالعه مفهوم منظر مشخص شد که منظر در میان محققان به چهار گونه متفاوت تعریف شده است که عبارتند از، منظر به‌عنوان پدیده‌ای عینی، پدیده‌ای ذهنی، پدیده‌ای عینی و ذهنی و نهایتاً پدیده‌ای عینی-ذهنی. در ادامه مشخص شد که سرزمین در

تعریف خود به‌عنوان یک ساختار انسانی با مفهوم منظر به‌مثابه پدیده‌ای مادی-غیرمادی دارای قرابت و اشتراک مفهومی است و هر دو آن‌ها به پدیده‌ای مشابه اشاره دارند. در ادامه بررسی ریشه‌های واژه منظر در زبان‌های آلمانی و دانمارکی نیز نشان داد که واژه منظر از نظر لغوی علاوه بر معنای چشم‌انداز، برای اشاره به سرزمین‌های جوامع انسانی در قسمت‌های شمالی اروپا نیز به‌کار گرفته می‌شده است اگرچه این معنای منظر به‌تدریج از قرن شانزدهم میلادی کمرنگ می‌شود. از این‌رو با توجه به معنای مفهومی منظر، مشخص شد که سرزمین ذاتاً یک منظر است و می‌توان آن را یک گونه از منظر دانست. این گونه خاص منظر که از نظر مقیاسی، محدوده یک ناحیه جغرافیایی را شامل می‌شود، به جهت تمایز یافتن از دیگر گونه‌های منظر، می‌تواند تحت‌عنوان «منظر سرزمینی» مورد اشاره قرار گیرد. همچنین این پژوهش مشخص کرد که سرزمین به‌مثابه یک منظر، خود از تلفیق مجموعه‌ای از مناظر طبیعی و مصنوعی حاصل شده است که ترکیب آن‌ها در کنار یکدیگر منظر سرزمینی یک ناحیه را پدید می‌آورد که این منظر نقش اساسی را در شکل‌گیری هویت سرزمینی و تغییر و تحول آن ایفا می‌کند. از این‌رو منظر سرزمینی اساساً به مفهومی متفاوت از دیگر اصطلاحات رایج در ارتباط با سرزمین نظیر سیما و آمایش سرزمین اشاره دارد و به مانند آن‌ها تنها بر ابعاد مادی سرزمین نظیر طبیعت و اکولوژی متمرکز نمی‌شود بلکه می‌کوشد ابعاد غیرمادی مانند هویت، خاطره، حس تعلق، زیبایی‌شناسی، نماد و غیره را در پیوندی جدانشدنی با ابعاد مادی سرزمین مورد توجه قرار دهد و لحاظ کند.

## پی‌نوشت‌ها

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «امین مقصودی» با عنوان «نقش نفت در دگرگونی منظر سرزمینی خوزستان» است که به راهنمایی دکتر «سیدامیر منصوری» و دکتر «سعید حقیر» در سال ۱۴۰۳ دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران انجام شده است.

1. Territory.

2. Belong to.

3. Surrounding.

4. Institutions.

5. Corporations.

6. Administrative.

7. فوکو این تعریف از سرزمین را در پاسخ خود به جغرافی‌دانان مجله «Herodote» در سال ۱۹۷۶ میلادی ارائه می‌کند و الدن (Elden, 2013) در مقاله خود تحت‌عنوان «How should we do the history of territory?» از آن به‌عنوان یکی از نشانه‌های علاقه فوکو به مفهوم سرزمین‌برمی‌شمارد.

۸. «Diachrony» یا «در زمانی». رویکردی برای مطالعه نظام‌های نشانه‌شناختی که نخستین بار توسط فردینان دسوسور (de Saussure, 2011)، زبان‌شناس سوئیسی در کتاب «دروسی در زبان‌شناسی عمومی» معرفی شد. در این رویکرد نظام نشانه‌شناختی، نشانه‌ها به‌عنوان زنجیره‌های پیوسته مشاهده می‌شوند که در طیف زمان گسترش یافته‌اند، در چنین حالتی، مطالعه تغییراتی است که نشانه‌ها در طول زمان متحمل شده‌اند.

9. Territoriality.

10. Milieus and rhythms.

11. Directional.

12. Dimensional.

13. Functional.

14. Expressive.

15. Material-semiotic system.

16. Articulation of territory.

## فهرست منابع

- استاجی، اعظم. (۱۳۸۶). پیدایش حروف اضافه از نام اندام‌های بدن. *نامه فرهنگستان*، ۳(۳)، ۴۰-۵۱.
- اکبریان، مریم. (۱۳۹۰). آمایش منظر سرزمینی: رویکرد منظرین در طراحی ابرسازه‌ها نگاهی به پروژه بزرگراه A20. *منظر*، ۳(۱۷)، ۴۲-۴۷. [https://www.manzar-sj.com/article\\_749.html](https://www.manzar-sj.com/article_749.html)
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ سخن. سخن.
- ایمانی، آوا و رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). تحلیلی ساخت‌محور از ترکیبات نام اندام «سر» در زبان فارسی. *زبان‌پژوهشی*، ۱۱(۳۳)، ۱۲۹-۱۵۹. <https://doi.org/10.22051/jlr.2018.19239.1506>
- آل هاشمی، آیدا و منصور، سید امیر. (۱۳۹۶). منظر: مفهومی در حال تغییر. نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از رنسانس تاکنون. *باغ نظر*، ۱۴(۵۷)، ۳۳-۴۴. [https://www.bagh-sj.com/article\\_57878.html](https://www.bagh-sj.com/article_57878.html)
- برک، آگوستین. (۱۳۹۲). آیا مفهوم منظر متحول می‌شود؟ *منظر*، ۵(۲۳)، ۲۷-۲۵. [https://www.manzar-sj.com/article\\_3546.html](https://www.manzar-sj.com/article_3546.html)
- دونادیو، پی‌یر. (۱۳۹۲). منظر به مثابه دارایی مشترک. *منظر*، ۵(۲۳)، ۳۸-۳۶. [https://www.manzar-sj.com/article\\_3550.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_3550.html?lang=fa)
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۳). *لغت‌نامه دهخدا*. دانشگاه تهران.
- راسخ مهند، محمد و رنجبر ضرابی، نفیسه. (۱۳۹۲). بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۳(۵)، ۹۵-۱۱۱. [https://rjhll.basu.ac.ir/article\\_473.html](https://rjhll.basu.ac.ir/article_473.html)
- ریموند، ریچارد؛ لوژمبول، ایو؛ سگن، ژان فرانسوا؛ سدل، کانتن و گرر، هلن. (۱۴۰۰). *اطلس منظر؛ سند شناسایی، توصیف و ارزیابی منظر* (ترجمه غزال نفیسی و مریم مجیدی). پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- زبردست، لعبت؛ یآوری، احمدرضا؛ صالحی، اسماعیل و مخدوم، مجید. (۱۳۹۰). بررسی تغییرات ساختاری ناشی از جاده در پارک ملی گلستان در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۹ با استفاده از متریک‌های اکولوژی سیمای سرزمین. *پژوهش‌های محیط‌زیست*، ۲(۴)، ۱۱-۲۰. [https://www.iraneiap.ir/article\\_13037.html](https://www.iraneiap.ir/article_13037.html)
- زندیه، مهدی؛ حکمت، حسن و مقصودی، امین. (۱۴۰۰). مفهوم شهرسازی استعماری در ایران، نمونه‌موردی: آبادان در دوران استعمار نفتی بریتانیا. *باغ نظر*، ۱۸(۹۸)، ۵-۲۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.242478.4624>
- عمید، حسن. (۱۳۵۸). *فرهنگ فارسی عمید*. امیرکبیر.
- کریمی باوربانی، مریم و بامشادی، پارسا. (۱۳۹۵). مجاز و استعاره در واژه‌های مرکب فارسی (با تمرکز بر واژه‌های حاوی نام اندام‌های بدن: «سر» و «دست»). *زبان‌کاوی*، ۳، ۱-۱۴.
- لوژنبول، ایو. (۱۳۹۱). منظر: از تعریف عامیانه تا روشنفکرانه. *منظر*، ۵(۲۳)، ۴۱-۳۹. [https://www.manzar-sj.com/article\\_3551.html](https://www.manzar-sj.com/article_3551.html)
- ماهان، امین و منصور، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. *باغ نظر*، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸. [https://www.bagh-sj.com/article\\_45081.html?lang=fa](https://www.bagh-sj.com/article_45081.html?lang=fa)
- مثنوی، محمدرضا و محسنی فرد ناغانی، معصومه. (۱۴۰۲). بهسازی محیطی شبکه اکولوژیک در بافت فرسوده شهری با استفاده از متریک‌های سیمای سرزمین (منظر). *موردپژوهی منطقه شهرداری تهران. پژوهش‌های محیط‌زیست*، ۱۴(۲۷)، ۲۵۳-۲۶۶. <https://doi.org/10.22034/eiap.2023.179863.266-253>
- مخدوم فرخنده، مجید. (۱۳۷۸). *شالوده آمایش سرزمین*. دانشگاه تهران.
- مرتاض مهربانی، الناز. (۱۳۹۴). میزگرد: منظر و اکولوژی. *منظر*، ۷(۳۲)، ۹۴-۹۹. [https://www.manzar-sj.com/article\\_15019.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_15019.html?lang=fa)
- مقصودی، امین. (۱۳۹۸). یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر. *منظر*، ۱۱(۴۸)، ۶-۱۳. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.192557.1977>
- مقصودی، امین؛ سراجیان نامی، میترا؛ توکلی فریمانی، مهدی؛ نظری، زهرا؛ حاج عبدالباقی، فرزانه؛ متمسک، فاطمه و مجتوبی، سیده کیمیا. (۱۳۹۹). سیمای شهر، انعکاسی از هویت شهر بررسی ارتباط مفهوم هویت و سیمای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. *هنر و تمدن شرق*، ۸(۲۷)، ۷۶-۶۷. <https://doi.org/10.22034/jaco.2020.217716.1141.67>
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چپستی منظر شهری. *منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. [https://www.manzar-sj.com/article\\_405.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=fa)
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۳). منظر فرهنگی، یک اصطلاح عامیانه. *منظر*، ۶(۲۸)، ۴۵-۴۸. [https://www.manzar-sj.com/article\\_7674.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_7674.html?lang=fa)
- میرحیدر، دره؛ راستی، عمران و میراحمدی، فاطمه‌السادات. (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. سمت.
- Agnew, J. (2005). *Hegemony: the new shape of global power*. Temple University Press.
- Allies, P. (1980). *L'invention du territoire*. Presses Universitaires de Grenoble.
- Antrop, M. & Van Eetvelde, V. (2017). *Landscape Perspectives, The Holistic Nature of Landscape*. Springer. [https://books.google.com/books?id=\\_ehDDwAAQBAJ&printsec=copyright#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?id=_ehDDwAAQBAJ&printsec=copyright#v=onepage&q&f=false)
- Antrop, M. (2019). A brief history of landscape research. In P. Howard, I. Thompson, E. Waterton & M. Atha (Eds.), *The Routledge Companion to Landscape Studies* (pp. 1-16). Routledge.
- Bell, S. (2012). *Landscape, Pattern, Perception and Process*. Routledge.
- Bonta, M., & Protevi, J. (2004). *Deleuze and Geophilosophy A Guide and Glossary*. Edinburgh University Press.
- Bourassa, S. C. (1988). Toward a theory of landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 15(3-4), 241-252. [https://doi.org/10.1016/0169-2046\(88\)90048-5](https://doi.org/10.1016/0169-2046(88)90048-5)
- Brachet, A. (1882). *An etymological dictionary of the French language* (G. W. Kitchin, Trans.). Clarendon Press. [in french]
- Brighenti, A. M. (2010). On Territorology: Towards a General Science of Territory. *Theory, Culture & Society*, 1(27), 52-72. <https://doi.org/10.1177/0263276409350357>
- Brook, I. (2019). Aesthetic appreciation of landscape. In A brief history of landscape research. In P. Howard, I. Thompson, E. Waterton & M. Atha (Eds.), *The Routledge Companion to Landscape Studies* (pp. 39-50). Routledge.
- Cosgrove, D. (1985). *Prospect, perspective and the evolution of the landscape idea*. Transactions of the Institute of British Geographers, 10, 45-62.
- Cosgrove, D. (1989). Geography is everywhere: culture and symbolism in human landscapes. In D. Gregory & G. Walford (Eds.), *Horizons in Human Geography* (pp. 35-118). Palgrave Macmillan. [https://doi.org/10.1007/978-1-349-19839-9\\_7](https://doi.org/10.1007/978-1-349-19839-9_7)
- Cosgrove, D. (1998). *Social Formation and Symbolic Landscape*. The University of Wisconsin Press. <https://books.google.com/books?id=NrD2-nJ52aYC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
- Cosgrove, D. (2003). Landscape and the European Sense of Sight – Eyeing nature. In K. Anderson, M. Domosh, S. Pile & N. Thrift (Eds.),

- Handbook of Cultural Geography* (pp. 249-268). SAGE. <https://doi.org/10.4135/9781848608252>
- Daniels, S., & Cosgrove, D. (2007). *The Iconography of Landscape: Essays on the Symbolic Representation, Design and Use of Past Environments*. Cambridge University Press. <https://books.google.com/books?id=iUKrP2dXqDoC&printsec=frontcover>
  - de Carvalho, B. (2016). The making of the political subject: subjects and territory in the formation of the state. *Theory and Society*, 45, 57-88. <https://doi.org/10.1007/s11186-016-9264-0>
  - de Saussure, F. (2011). *Course in General Linguistics*. Columbia University Press.
  - de Vaan, M. (2008). *Etymological Dictionary of Latin and the Other Italic Language*. Brill Academic Pub.
  - Delaney, D. (2008). *Territory: a Short Introduction*. Wiley-Blackwell.
  - Deleuze, G., & Guattari, F. (2005). *A Thousand Plateaus: Capitalism and Schizophrenia* (B. Massumi, Trans.). University of Minnesota Press. [in english]
  - Donald, J. (1872). *Chambers's etymological dictionary of the English language*. W.&R. Chambers.
  - Duncan, J., & Duncan, N. (2001). The aestheticization of the politics of landscape preservation. *Annals of the Association of American Geographers*, 91(2), 387-409. <https://doi.org/10.1111/0004-5608.00250>
  - Elden, S. (2010). Land, terrain, territory. *Progress in Human Geography*, 34(6), 799-817. <https://doi.org/10.1177/0309132510362603>
  - Elden, S. (2013). How Should We Do the History of Territory? *Territory, Politics, Governance*, 1(1), 5-20. <https://doi.org/10.1080/21622671.2012.733317>
  - Farina, A. (2006). *Principles and Methods in Landscape Ecology*. Towards a Science of Landscape. Springer.
  - Farina, A. (2010). *Ecology, Cognition and Landscape: Linking Natural and Social Systems*. Springer.
  - Ferrari, G. F., Bocci, E., Lepisto, E., Cavallero, P., & Rombi, L. (2019). Territories and Landscapes: Place Identity, Quality of Life and Psychological Well-Being in Rural Areas. In A. Bianco, P. Conigliaro & M. Gnaldi (Eds.), *Italian Studies on Quality of Life* (pp. 287-305). Springer.
  - Foucault, M. (1994). *Dits et écrits: 1954-1988* (Vol. 1). Gallimard.
  - Gottmann, J. (1973). *The significance of territory*. University Press of Virginia.
  - Harvey, D. (1997). The tithing framework of west Cornwall; a proposed pattern and an interpretation of territorial origins. *Cornish Studies (new series)*, 5, 30-51.
  - Harvey, D. (2000). Landscape organization, identity and change: Territoriality and hagiography in medieval west Cornwall. *Landscape Research*, 2(25), 201-212. <https://doi.org/10.1080/713684667>
  - Ingold, T. (2000). *The Perception of the Environment: Essays in Livelihood, Dwelling and Skill*. Routledge. <https://books.google.com/books?id=S3GakE5OT-kC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
  - L'evy, J. (2003). Territoire. In J. Levy & M. Lussault (Eds.), *Dictionnaire de la géographie et de l'espace des sociétés* (pp. 907-910). Belin.
  - Luginbuhl, Y. (2012). *La mise en scene du monde. construction du paysage europeen*. CRNS Editions.
  - Lussault, M. (2007). *L'homme spatial: La construction sociale de l'espace humain*. Seuil.
  - Mitchell, D. (1996). *California: the beautiful and the damned" from The Lie of the Land: Migrant Workers and the California Landscape*. University of Minnesota Press.
  - Mitchell, D. (2008). California: The Beautiful and the Damned" from The Lie of the Land: Migrant Workers and the California Landscape. In T. Oakes & P. L. Price (Eds.), *The Cultural Geography Reader* (pp. 159-164). Routledge.
  - Nogué, J., & Vicente, J. (2004). Landscape and national identity in Catalonia. *Political Geography*, 23(2), 113-132. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2003.09.005>
  - Olwig, K. R. (1996). Recovering the Substantive Nature of landscape. *Annals of the Association of American Geographers*, 86(4), 630-635. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8306.1996.tb01770.x>
  - Olwig, K. R. (2005). The Landscape of 'Customary' Law versus that of 'Natural' Law. *Landscape Research*, 30(3), 299-320. <https://doi.org/10.1080/01426390500165385>
  - Paasi, A. (2008). Territory. In J. Agnew, K. Mitchell & G. Toal (Eds.), *A Companion to Political geography* (pp. 109-122). Blackwell Publishing Ltd.
  - Picon, A. (2010). *What has happened to territory, in David Gissen, Territory: Architecture Beyond Environment*. Architectural Design Books.
  - Raffestin, C. (2012). Space, territory, and territoriality. *Environment and Planning: Society and Space*, 30(1), 121-141. <https://doi.org/10.1068/d21311>
  - Raffestin, C. (2015). From the Territory to the Landscape: The Image as a Tool for Discovery. In R. Gambino & A. Peano (Eds.), *Nature policies and landscape policies: Towards an alliance*. Springer. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-05410-0\\_10](https://doi.org/10.1007/978-3-319-05410-0_10)
  - Rose, M. (2002). Landscape and labyrinths. *Geoforum*, 33(4), 455-467. [https://doi.org/10.1016/S0016-7185\(02\)00030-1](https://doi.org/10.1016/S0016-7185(02)00030-1)
  - Sack, R. D. (1983). Human territoriality: A theory. *Politics. Critical Essays in Human Geography*, 73(1), 55-74.
  - Sack, R. D. (1986). *Human Territoriality: its theory and history*. Cambridge University Press.
  - Saur, C. O. (1925). The Morphology of Landscape. *University of California Publications in Geography*, 2(2), 19-54.
  - Schama, (1995). *Landscape and Memory*. Vintage.
  - Sheppard, L. (2013). From Site to Territory. *Goes Soft: Bracket*, 2, 179-184.
  - Socco, C. (1998). Towards a semiotic Theory of the City and Territory as a landscape. In G. B. Cristoforo & S. Bertuglia (Eds.), *The City and Its Science* (pp 479-500.) Physica- Verl. [https://doi.org/10.1007/978-3-642-95929-5\\_16](https://doi.org/10.1007/978-3-642-95929-5_16)
  - Sorlin, S. (1999). The articulation of territory: Landscape and the constitution of regional and national identity. *Norsk Geografisk Tidsskrift*, 53(2-3), 103-112. <https://doi.org/10.1080/00291959950136821>
  - Tilley, Ch. (1994). *A Phenomenology of Landscape: places, paths and monuments (Explorations in Anthropology)*. Berg.
  - UNESCO. (1996). *Report of the Expert Meeting on European*

*Cultural Landscapes of Outstanding Universal Value, Vienna: World Heritage Committee*. Retrieved 12 November, 2022, from <http://whc.unesco.org/archive/europe7.htm>.

- Waldheim, C. (2016). *Landscape as Urbanism A General Theory*. Princeton University Press.
- Zedeno, M. (1997). Landscapes, land use, and the history of

territory formation: An example from the Puebloan southwest. *Journal of Archaeological Method and Theory*, 4, 67–103. <https://doi.org/10.1007/BF02428059>

- Zedeno, M. (2016). The Archaeology of Territory and Territoriality. In D. Bruno & J. Thomas (Eds.), *Handbook of Landscape Archaeology* (pp. 210-217). Routledge.

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله  
مقصودی، امین؛ منصورى، سيد امير و حقير، سعيد. (۱۴۰۳). منظر سرزمینی: تبیین نسبت مفهوم سرزمین با منظر. منظر، ۱۶ (۶۸)، ۴۸-۵۹.



DOI: 10.22034/manzar.2024.461220.2291

URL: [https://www.manzar-sj.com/article\\_205288.html?lang=fa](https://www.manzar-sj.com/article_205288.html?lang=fa)